

# بررسی مقایسه چهره معشوق در ادبیات فارسی و ترانه‌های عامیانه (بر مبنای غزلیات سعدی و هفتصدترانه حسین کوهی کرمانی)

زهرا حسن دوست لاکمه سری \*، 86،

1397-06-19

چکیده: ادبیات کلاسیک و ادبیات عامیانه هر دو از انواع مهم ادبیات هستند. از دوره‌های قدیم شعر فارسی که به ادبیات سنتی یا کلاسیک معروف است، ادب غنایی وجود داشته و در مورد عشق، عاشقی و معشوق فراوان سخن به میان آمده است. در کنار این نوع ادبیات یک ادبیات دیگر رشد کرده است که به ادبیات عامیانه معروف است، مهمترین ویژگی این نوع ادبیات این است که به فصاحت و جزالت ادب کلاسیک نیست و پدیدآورندگان نیز چندان معلوم نیستند و در یک کلام می‌توان گفت ادبیات عامه مردم است. پرسش اصلی این تحقیق اینست که معشوق در ادبیات کلاسیک با معشوق ادبیات عامیانه چه تفاوت‌هایی دارند. جغرافیای این پژوهش غزلیات سعدی و هفتصد ترانه کوهی کرمانی است. روش تحقیق توصیفی تحلیلی است و سعی شده است تمامی ویژگی‌های معشوق از دو اثر نامبرده استخراج و دسته‌بندی شوند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که معشوق ادبیات کلاسیک و اشعار سعدی و حافظ و امثال آن جایگاه والایی دارد، چهره‌ای اثری دارد و چندان قابل حس برای همه نیست، اسمش حتی مشخص نیست، مکان زندگی اش، رنگ لباسش و دیگر ویژگی‌هایش همگی ناشناخته‌اند و در عوض معشوق ادبیات عامیانه در باغ کار می‌کند، در کوچه از جلوی مردم با لباسهایی که رنگ و بافتش مشخص است راه می‌رود، مادر و پدر و محله‌اش مشخص است در یک کلام معشوقی دست یافتنی و فرودست است.

کلمات کلیدی : کلیدواژه‌ها: ادبیات غنایی، ادبیات کلاسیک، ادبیات عامیانه، چهره معشوق، غزلیات سعدی، حسین کوهی کرمانی

[Islamic Azad University, Rasht Branch - Thesis Database](#)

[دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت - سامانه بانک اطلاعات پایان نامه ها](#)